

ایرلند

س . طهوری

مبارزه برای حق تعیین سرنوشت

بلیس و در زیر باران با طوم و لگدما مورین قانون " از هم باشد .

البتّه با بیادغان کرد که ریشه های بحران کنونی به دورا نی بسیار پیش از اکتبر ۶۸ بر میگردد . در حقیقت مبارزه ی مردم ایرلند برای رهایی از زیر سلطه ی بریتانیا از چند صد سال قبل به اعتراف اوج گرفت . روز دوشنبه ی عبدیاک (مشهور به دوشنبه ی استر) ۱۹۱۶ یک گروه از جمهوریخواهان در دویلین دست به قیام زدند و با قوای دولتی به زد و خورد پرداختند . این قیام که به قیام استر معروف شد در عرض یک هفته با خشونت تمام توسط سربازان انگلیسی سرکوب گردید و صدها نفر کشته شدند و زندانی شدند و تعدادی از رهبران آن ، نیز اعدام شدند . از آن پس عبدیاک در ایرلند همواره بصورت یک واقعه ی سیاسی و با یادگیری بسیاری بیرون و جدید استقلال طلبانه مرکز از گردیده است و همه ساله با فرا رسیدن عبدیاک مبارزات جمهوریخواهی و تسبب سیاسی مردم به اوج خود میرسد . این مبارزات با لاکسره در سال ۱۹۲۲ با یک پیروزی نا تمام قدم به مرحله تازه ای نهاد . در این سال بیست و شش استان آزادی و دو استان جزیره ایرلند استقلال خود را از امپراطوری بریتانیا کسب کردند و بدین ترتیب جمهوری ایرلند (در جنوب) با سه عرصه وجود گذاشت . رژیم سرما به داری بوفق شد با دامنه ی زندگی به اختلافات مذهبی و با استغناء از حمایت اهالی پروتستان مذهب است . (که در حقیقت فرزندان میا جریبی هستند که در ابتدا در برین همدگم از اسکا تلند و سایر نقاط انگلستان به ایرلند کوچ داده شدند) که عمدتاً به علت موقعیت ممتاز تر اجتماعی (که حتی به معنی ممتاز تر و رفاه تر بودن وضع زندگی کارگران پروتستان از کارگران کاتولیک است) شدیدا خواهان بقای وحدت با انگلستان هستند از استقلال کامل ایرلند جلوگیری کنند . جریان به این صورت بود که دولت بریتانیا با برگزاری یک فرآیند کذاشی در شش استان شمالی و با کمک سازمانهای افراطی و پروتستان دیت راستی به سبب آنها اکثریت پروتستان جمعیت در این شش استان ، ایرلند شمالی را همچنان در زیر سیوغ خود نگهداشت . در عین حال بریتانیا موفق شد با سپردن قدرت به ناسیونالیستها در جمهوری ایرلند در واقع سلطه سرما به داری را در این جزیره نهاد و م بخشید .



بهر حال در پی نظا هرات اکتبر ۱۹۶۸ وادامه ی اعتراضات برانکنده ، دولت بریتانیا با استغناء از این " فرصت مقتدم " بتردید که بجای رها کردن امور بدست مرتجعین محلی و هواداران دولت مرکزی ، کنترل اوضاع را مستقیماً بدست گیرد . بدین ترتیب در سال ۱۹۶۹ ارتش خود را بمنظور سرکوب جنبش جمهوریخواه ایرلند به این سرزمین گسیل داشت و بیش از بیست هزار سرباز انگلیسی وارد شش استان شمالی شدند و خیمه های بلفاست و دردی به اشغال سربازان و کوه ماندهای فداشورشی درآمد .

سناریویی که در آن زمان در مورد این اشغال نظامی طرح شد با این صورت بود که چون دوجا معی کا تولید و پیرو-تستان ایرلند شمالی یا آنطور که انگلیسیها میگویند Ulster در جنگ و ستیزند و عده زیادی در معرض چندماه کشته و مجروح شده اند ، لذا قوای دولتی به منظور حفظ آرامش و برای محافظت از جان اهالی مجبور به مداخله شده است . البتّه این سناریو توانست برای مدتی خسرواک تبلیغاتی جهت وصال ارتباط جمعی بریتانیا فراهم کند ،

بسیار گذشته اند که امپراطوری بریتانیا با استعمار ایرلند آغاز کرد و با استقلال کامل این سرزمین برای همیشه با آن خواهد یافت . ایرلند که اولین و قدیمی ترین مستعمره بریتانیا بوده است ، امروز بصورت شیشه ی عمبر این دیو سیرا استعمار درآمده است . حضور امپریالیسم بریتانیا در ایرلند بیش از آنچه بسیاری فکر میکنند برای سرما به داران لندن بسین جنبه حیاتی دارد . البتّه استعمار است اگر همان کنیم اهمیت ادامه ی اشغال ایرلند برای بریتانیا فقط از منظر اقتصاد می مطرح است ، چه علاوه بر منافع اقتصادی در ایرلند شمالی منافع سیاسی و استراتژیک بریتانیا است که علیرغم مخالفتهای امپریالیسم امریکا و سایر قدرتهای سرما به داری غرب ، این کشور را هم - چنان در شمال ایرلند نگاه میدارد .

با توجه به ساختار اقتصادی - اجتماعی ایالات شمالی ایرلند و فترتسی این سرزمین در قیاس با جنوب انگلستان و از آنجا که در واقع ایرلند شمالی به مانند ویلر و جتسی اسکاتلند و جورجی و آنادی مناطق مرکزی و جنوبی انگلستان را تشکیل میدهد ، که مناطق اصلی انباشت و بازدهی سرما به های بورژوازی بریتانیا است - جریان سیاسی در این سرزمین به شدت قطب بندی شده است و در کنار جریان های دست راستی افراطی که بصورت باز و جاسوس دولت مرکزی عمل میکنند ، بسیاری از مردم سیاسی شده و فعالان گسترده اشغال را دیدگاه مبارزه حمایت میکنند . بدین ترتیب یک جنبش آزاد بخش با استقلال طلب میتواند با نفوذ خطرناک جدی برای سراسر جزیره بریتانیا و ایرلند محاصره آید و هم از این رو است که به غیر از محافظه کاران حتی لیبرالهای انگلیسی که با شور و علاقه از " حقوق دموکراتیک " مردم " ما و ما " بخار سخن میرانند و دست به ایجاد سازمانها و تشکیلات بشردوستانه در نقاط مختلف جهان زده وار " نقیض حقوق بشر " در اقصی نقاط دنیا شاکتی و کلمه متندند ، هنگامیکه سخن بر نقض حقوق اساسی مردم ایرلند است و صحبت بر سر شکنجه و آزار زندانیان سیاسی ایرلند است ، ترجیح میدهند که سرعت موضوع بحث عوض شود . " دموکراسی بریتانیا شایسته در قبال مسالمتی ایرلند و کروکراست ، سازمان غفوبیست - المللی که از زندانیان سیاسی و شکنجه و ایدآنها در شورو و آمریکا ی لاتین و اروپای شرقی و کشورهای خارج از " دنیای آزاد " داد سخن گرم میدهد در مورد زندانیان سیاسی ایرلند و دستجات شبه نظامی تروریستی که بعنوان " افراطی- های پروتستان " از آنها یاد میشود . دچار نیان و فراموشی شده است . در یک کلام امپریالیسم انگلیس در ایرلند و جنبش جمهوریخواه آن پتانسیل یک کویای جدید را میبیند که در همسایگی در حال تولد است .

پیشینه تاریخی

برای بررسی تاریخی بحران جاری در ایرلند شمالی پنجم اکتبر ۱۹۶۸ نقطه ی شروع خوبی است . در این روز اولین نظا هرات حقوق مدنی در شهر دری Derry بوقوع پیوست . امروزه شاید کمتر کسی را بتوان در ایرلند شمالی یافت که ادعای شرکت در این نظا هرات را نداشته باشد و واقعیت اینست که این راهپیمایی نظا هرات کوچکی بود که در حدود چهارصد نفر در آن شرکت داشتند و اکثر آن جوانان ۱۵ تا ۱۸ ساله محلات کاکری یا کاساید Bogside و کرگن در دری بودند . این نظا هرات که بصورت نقطه عطفی در مبارزات نوین مردم ایرلند شمالی درآمده است

لیکن بسیاری از خود انگلیسیها نیز میدانند که با عث اصلی آسوت و ترور، در واقع ما مورین پلیس مخفی بریتانیا است و گروههای دست نشاندهی پروتستان و مزدوران اس. ا. ا. (۱) که با بمب گذاری و ترور و آدم ربایی جوار عاب و آسوت و رادامین میزدند که بالطبع با عکس العمل هائی از جانب جمهوریخواهان روبرو میگردند. بهر رو از آن تاریخ تاکنون خاک ایرلند شمالی در اشغال نظامی بریتانیا قرار گرفت. متعاقب ورود سربازان انگلیسی شهر و خنوت در ایرلند شمالی بصورت یک بدیدهی اجتماعی در آمدن و تسلی را با فرهنگ خاص خود پیروانند. روابط بین دو جامعهی کاتولیک و پروتستان هم با المال روبه و خاست گذار دو خانواده های بسیاری محصور به ترک خانه های خود و سکونت در محله های هم-بیلکان خود شدند. در این میان خانواده های بسیاری قربانی آتش سوزی و بمب و ترورهای کور شدند. در کنار این خنوتها، کودکان و نوجوانان به طرق مختلف به مقابله و مبارزه با قوای نظامی پرداختند. گاه در دسته های چند نفره بر سر راه افراد و خودروهای سربازان کمر کرده و آنان را با بمبهای آسوت و کیکل مولوتف مورد حمله قرار میدادند و گاه اتفاق می افتاد که کودکی به سر بازی بجای آب آسوت میخوراند. در سالهای نخست اشغال نظامی عده زیادی سربازان را نیز طریق کشته و معدوم شدند.

بالاخره در روز یکشنبه عید پاک سال ۱۹۷۲ در یکی از محلات کاتولیک پیشین دری بنام راسویل (Rossville Flats) پلیس بروی جوانان نظا هر کشته آتش کشید و ۱۳ جوان جمهوریخواه را به خاک و خون کشید. این روز که به یکشنبهی خونین معروف شد نقطه عطف جدیدی شد برای تداوم مبارزات مردم ایرلند. با دوازه ای این روز همه ما له محملی است برای برپائی عظیم ترین نظا هرات همسنگی با مبارزات جمهوریخواه کنونی در سراسر بریتانیا. خیا با نهائی بلغاست و دری در ایرلند و یکشنبهی خونین شا هزد و دو خورد هائی جشن پلیس با مردم نظا هر کشته است. بدین ترتیب مجریان "نظم و قانون" که برای "حفظ آرامش" به ایرلند شمالی ریختند امروزه به یکی از علل عمدهی بحران میدل شده اند و خروج آنان از خاک ایرلند یکی از اساسی ترین خواسته های جنبش جمهوریخواه ایرلند را تشکیل میدهد. جنبش اخراج سربازان (۲) از ایرلند توانسته است بخش وسیعی از افکار عمومی بریتانیا و ایرلند و حتی محافل لیبرال انگلیسی را برامون ایرلند شمالی پیچ کند و یکی از حربه های مهم تبلیغاتی و همبستگی جمهوریخواه ایرلند در دهه ۷۰ در سطح افکار عمومی بین المللی بشمار میرفت.

اوضاع کنونی

بالیهای دهه ۷۰ بخصوص اواسط دهه ۷۰ اوج دوران مبارزه ای ارتش جمهوریخواه ایرلند (۳) را شاهد بود. لیکن بواسطه عدم اسجام ایدئولوژیک این جریان و رهبری خرده بورژوازی آن و همچنین کار بردن تکنیکهای سفنا در س. ا. ج. ۱ به تقویت و گسترش مبارزات توده ای اهمیت نمیداد. در دوران اوج مبارزات چریکی شهری در آلمان و ایتالیا و اسپانیا که اکثرابه عملیات کروکا نگیری و تبلیغات مسلحانه محدود میگردید. ا. ج. ۱ نیز در فاصله های ۷۳ تا ۷۶ دست به یک سری آکسیونهای گستردهی مسلحانه زد. لیکن به عوض هدفگیری ارکانهای سرکوب بورژوازی و عنا صریح پلیس مخفی و مزدوران حکومتی بخشی از عملیات ا. ج. ۱ به بمب گذاری در اماکن عمومی در خود انگلستان متمرکز شد. لازم است که پلیس مخفی خود گاه هی دست به بمب گذاری در اماکن عمومی میزد. لیکن گره تشخیص این برای نیروهای سیاسی کار دوزاری نبود. ولی برای مردم عادی مشکل بود. در هر صورت به تدریج با تغییر جو سیاسی اروپا و فروکش کردن مبارزات چریکی شهری اشکال دموکراتیک مبارزه

از اهمیت بیشتری برخوردار شد، جهان نوع مبارزات برخلاف نوع قبلی میتوانست خشی محافل لیبرالی بورژوازی را هم به دفاع از بخش بسیار محدودی از خواسته های جمهوریخواهان وادار سازد.

در اوایل دهه ۷۰ مسالهی حقوق زندانیان سیاسی ایرلندی در زندانهای انگلیسی کم کم در سطح افکار عمومی مردم ایرلند بصورت یک مسالهی زنده و با اهمیت مطرح شد. به موازات رشد هئی مساله، بخشهای مختلف جنبش جمهوریخواه نیز این مساله را در دستور کار عا جل خود قرار دادند. شعار "حقوق اسرای جنگی برای زندانیان ایرلند" در کنار شعار "سربازان انگلیسی از ایرلند خارج شوند" مطرح شد و کم کم آثار تحت الشعاع قرار داد. اکنون دیگر ا. ج. ۱ نیز قسمت اعظم انرژی خود را مصروف فعالیتهای تبلیغی در سطح بین المللی می نماید. در ادامه ی همین فعالیتها، زندانیان سیاسی ایرلندی در زندانهای موسوم به بلوک H (شکل ساختمان مثل H است) در زندان میز (Maze) از پوشیدن لباس زندان و کار اجباری در زندان خود داری کردند. آنان اظهار میکردند که حقوق زندانیان سیاسی با بیستی از جنایتکاران و تبهکاران جدا است و حقوق آنان بعنوان اسرای جنگی بر سمیت شناخته شود. این اعتراضات تا چندی پیش نیز همچنان متناوباً ادامه داشت و به "اعتراضات بابتو" یا (Blanket Protests) معروف است چرا که زندانیان در سرمای زندان تنها با بستن پشمی بدور بدن برهنه خود گذران میکردند. مقامات زندان از دادن لباسهای شخصی زندانیان با آنها و بر سمیت شناختن سایر خواسته های آنان امتناع میکردند. اعتصاب و اعتراضات بلوک H توانست بطور غیرمنتظره ای مسالهی زندانیان سیاسی و حضور غیر قانونی بریتانیا در ایرلند را در افکار عمومی مطرح سازد. از طرف دیگر با روی کار آمدن چارلز هو فسی نخست وزیر بریتانیا سیاست ایرلند که هوا دار وحدت دوا ایرلند است بجای جک لینچ لیبرال در جمهوری ایرلند دولست بریتانیا مجبور شده است که با رها بای در مورد مسالهی الحاق استانهای شمالی به جمهوری ایرلند بر سر میز مذاکره بنشیند. یکی از محوری ترین شعارهای انتخاباتی هو فسی "کوشش جدانه برای وحدت مجدد دوا ایرلند" بود. مجموع اوضاع سیاسی ایرلند و نیروهای رادیکال جمهوریخواه را به پیگیری مبارزات دموکراتیک فعلی ترغیب و تشویق میکنند. در تعقیب این متی هنگام میگرد که در ماه مارس گذشته نماینده پارلمان از استان تیرون در گذشت با بی سنذر (۴) از طرف جمهوریخواهان که تندیهای انتخابات میان دوره ای شدت در مقابل "ک پروتستان افراطی" در انتخابات شرکت کنند. پیروزی غیرمنتظره سنذر که با اختلاف کمی بر رقیبش پیروز گردید و همچنین معادق شدن انتخابات با ایام عید پاساگ، مجموعاً شرایطی را فراهم آورد که با ادامه اعتصاب غذا با بی سنذر به شخصیت روزیدل شود. حقوق مردم ایرلند در وسیعترین سطح درجهان مطرح شد و ا. ج. ۱ نیز موفق شد بدین وسیله خواسته های زندانیان را بکوش همگان برساند و خود را بعنوان سخنگوی جمهوریخواهان ایرلند تثبیت کند. پنج خواسته ی اساسی که سنذر و چهار نفر دیگر در قبال اعتصاب غذای خود مطرح نموده اند عبارتند از: ۱- حق پوشیدن لباس شخصی بجای لباس زندان ۲- معافیت از کار اجباری در زندان ۳- آزادی معاشرت برای زندانیان جمهوریخواه در داخل زندان "میز" ۴- ملاقاتها و نامه های بیشتری از خارج زندان ۵- حذف جرائم ناشی از اعتراضات و اعتراضات این خواسته ها که در واقع بسط شعارهای حقوق زندانی سیاسی و اسیر جنگی است، طوری مطرح شده اند که برای وسیعترین افکار عمومی بین المللی قابل درک و ملموس باشند. بهر رو مبارزات کنونی مردم ایرلند میروند تا با بعد جدیدی گرفته و اوضاع نویسی را در برابر این مبارزات بکشاید.

از ایرلند تا کردستان

مبارزه با امپریالیسم جدا از مبارزه با سرمایه داری نیست



ارتش جمهوریخواه ایرلند (آ.آ.آ. آی) را بعنوان شاخه‌ی نظامی شین فین (رهبری سیاسی) بکار میگیرد. انشعاب دو جناح بدنیاال اختلافات سال ۱۹۶۹ رخ داد. در آنزمان جناح رادیکال معتقد بود که مبارزه برای حقوق مدنی تا زمانیکه ایرلند شمالی بصورت یک کشور جداگانه باقیست بی شمر است. در حالیکه جناح "رسمی" خلاف این اعتقاد را داشت.

۴- رابرت جرارد سنند از کا درهای ا.ج.ا. از سال ۱۹۷۶ در زندان بصر میسر شد.

و اما نکته‌ی جالب توجهی که خوبست بآن بپردازیم اینست که سالها ایرلند و مبارزات جاری این سرزمین در کشور "انقلابی اسلامی" ماست. حکومت مکتبی-متمصلی ایران که بقول معروف با دست بس میزند و با پیش میکشد، فیلش بیاد هندوستان کرده و به دفاع از حقوق "مستضعفین" ایرلند افتاده و مشغول صدور انقلاب است. دولت ارتجاعی و ضد انقلابی جمهوری اسلامی در حالیکه برای نجات اقتصاد و ورشکسته بریتانیا قرار داد یک میلیار دلیره‌ای با این کشور منعقد کرده است و در حالیکه برای "نشان دادن پایداری و تحریم اقتصادی" قرار داد چندساله‌ی صدور نفت با انگلستان امضاء میکند، دم از طرفداری از مردم ایرلند میزند که برای حقوق تعیین سرنوشت خود و رهایی از سلطه‌ی بریتانیا میجنگند و

برای "انقلاب اسلامی ایرلند!!" سرود و فیلم میسازد. اینان "ایرلند ایران" را که برای همان اهداف در حال سیرد است، فراموش کرده اند و به "ایرلند بریتانیا" چسبیده اند. گویا حقایق فحیح و خاشنا نه سردمداران حکومت اسلامی در کردستان فراموش شده است. مردم قهرمان کردستان بخوبی آگاهند که این حکومت نه تنها حامی و مدافع حقوق ملیتها و قلبینهای مذهبی و نژادی نیست بلکه با شقاوت و بربریت به مراتب وحشتناکتری از همپالگی‌های انگلیسی شان این حقوق را سرکوب و پایمال میکنند. برای دولتمردان اسلام پناه آوای دهل شنیدن از دور خوش است. توگویی با دوتا سرود و اطلاعیه میشود بروئی برای دولت رسوای اسلامی خرید و برای جنایات خلخالگی دیوانه و ترور و حشانه دستجات مزدور چماق دار که نه تنها حقوق ملیتها بلکه شک حقوق اولیه و اساسی مردم را پایمال میکنند، مرهمی یافت.

لیکن ما خوب میدانیم که علیرغم فاصله‌ی مکانی و تفاوت فرهنگ و سنت و تاکتیکهای مبارزه جنشهای آزادیبخش در سراسر جهان در آخرین تحلیل سرنوشتشان با سرنوشت جنش انقلابی موم ما و انقلاب اجتماعی ایران اجین شده، همانطور که سرنوشت محتوم قدرتمندان اسلامی، هم پال همپالگی‌های فرنگی شان در پیوند است.

توضیحات

۱- (Special Air Services) کوما ندهای با تعلیمات فوق الفاده هستند که در اردوهای ایزوله بدون تماس با دنیای خارج تربیت میشوند و بعنوان ما مورد دولت در محافظ جمهوریخواه نفوذ کرده و به شناسائی جمهوریخواهان میپردازند. همین کوما ندها در آموزش به فرودگاه موگا دیشو (در سومالی) دست داشتند و هم اینها بودند که در جریان رفع اشغال از سفارت ایران در لندن در سال گذشته شرکت داشتند. SAS منفورترین مظهارامپریالیم انگلستان در نظر جمهوریخواهان ایرلند است.

۲- جنش اخراج سربازان که بعدنما خود را به جنش متحد اخراج سربازان تغییر داد، جبهه‌ایست از سازمانها و عناصر چپ و مترقی انگلیسی که حول شعار خروج سربازان انگلیسی مبارزه‌ای دمکراتیک را به پیش میبرد.

۳- آ.آ.آ. آی. Irish Republican Army در اینجا مقصود Provisional IRA برویژنال آ.آ.آ. آی. است که مبارزه مسلحانه را در پیش گرفته است. جناح دیگر که مشهور به جناح "رسمی" است در حقیقت تحت تسلط حزب کمونیست (طرفدار مسکو) ایرلند است و یک جریان علنی رویزیونیست است که حتی معتقد به خروج سربازان انگلیسی از ایرلند هم نیست. بخش سیاسی هردو اینها شین فین (Sinn Fein) به ایرلند یعنی "ما خودمان" نامیده میشود که تقسیم بنسبتی "پروویژنال" و "رسمی" در مورد اینها نیز بکار میبرد. البته جناح رسمی در حقیقت تکیه‌ی بسیار بیشتری بر شین فین بعنوان یک جریان سیاسی دارد و ارتش جمهوریخواه بودن آن تقریباً فراموش شده است. در حالیکه جناح رادیکال

کمکهای مالی دریافت شده

تهران	ش	ش	تهران
۲	۲۱۱۸	۱۵۰۰۰	۵۱۴۷
الف	۱۸۱۲	دانش آموزان	۴۰۰
۶۰۰۰	۸۰۱۰	هوادار	۴۰۰
۱۲۰۰	۵۱۱	بدون کد	۱۵۲۷۰
۲۰۵۴۵	۲۱۰۰	ک	۵۰۰
۲۱۰۰	۳۰۲۲	م	۵۰۰
۲۰۵۴۵	۴۱۱۱	بدون کد	۱۰۰
ب	۴۱۳۲	اصفهان	مشهد
۱۰۲۲	۱۰۱۴۵۱	ب	پ
۳۱۹۱۷	۵۳۰۰	۱۰۰۶	۱۸۰۰
۱۰۱۲۵	۵۱۰۰	ر	۱۰۰۵
۴۱۳۷	۵۰۰۰	ن	۱۰۳۳
۱۵۱۴۵	۱۰۷۰۰	ش	۱۰۰۵
ج	الف - الف	ک	۲۰۰
۱۷۹۲	۵۰۰۰	ن	۵۰۰
۱۷۲۹	الف - ح	م	۵۰۰
۱۱۱۰۲	۵۰۱	ز - س	۵۰۰۰
۴۱۰۵۷	الف - نارمک	هواداران	۵۰۰۰
ر	۱۲۰۰	شیراز	۵۰۰۰
۱۰۱۳۲	ب - نارمک	ج	بدون کد
۱۶۷۳	۵۰۰	۲۰۲۲	۲۵۲
۱۰۰۱۰۰	د - الف	۵۴۴۴	همدان
س	۴۱۰۵۷	ک	هواداران
۱۰۲۰	کبهان	۵۰۶۴	۲۰۰۰
۲۰۷۶۲	ل	۳۰۱۳	
۱۰۲۰۰	آبادان	۵۰۰	

ک ۷۷۲
ب ۱۹۱۷ (تهران)
ف (کردستان)
رقمهای هوادار در آلمان هدیه اتان رسید

در حاشیه...

آنچه مسلم است اینست که رژیم جمهوری اسلامی به زندان و شکنجه روی آورده است و آنرا در شدیدترین شکل خود در تمامی ابعاد جامعه بکار میبرد، زیرا احوافظ و پاسدار منافعی است که در راه آن جز توسل به سرکوب مغری نمیبیند. رژیم با رو بنای فکری اسلامی است که طبعاً منکر هر نوع آزادی و آزاد اندیشی است، نمیتواند جز این عمل کند، زندان و شکنجه، اساس جامعه‌ی سرمایه داری است، و تنها با سرنگونی این نظام است که شکنجه و زندان برای همیشه از قاموس سیاسی بطریقت حذف خواهد شد.

مرگ بر اوپریالیسم جهانی به سرکردگی اوپریالیسم آمریکا